فهرست

[مقدمه 2](#_Toc85887209)

[نکته اول؛ قلمرو فقه تربیتی 2](#_Toc85887210)

[نکته دوم؛ موضوع فقه تربتی 2](#_Toc85887211)

[نکته سوم؛ ماهیت شناسی فقه تربیتی 3](#_Toc85887212)

[نکته چهارم؛ روش‌شناسی فقه تربیتی 3](#_Toc85887213)

[روش شناسی فقه تربیتی 5](#_Toc85887214)

[نکته هشتم؛ ماهیت فقه تربیتی 6](#_Toc85887215)

[اشکال و پاسخ به آن 7](#_Toc85887216)

[اشکال دوم و پاسخ به آن 9](#_Toc85887217)

[مبانی فقه تربیتی 10](#_Toc85887218)

[پرسش و پاسخ 11](#_Toc85887219)

بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

عرض سلام و ادب و احترام خدمت حاضران جلسه و آرزوی سلامتی و توفیق و بهروزی. خیلی خوشوقتم که توفیقی شد خدمت شما باشم و در واقع در چهار جلسه 45 دقیقه امروز و فردا خدمت گذار شما باشیم ایام را هم تبریک عرض بکنم ان‌شاءالله خدا برای امت اسلامی مایه برکت و وحدت بیشتر و ارتقا و استحکام امت اسلامی باشد انشاالله به برکت این ایام مشکلات جوامع اسلامی، امنیت در کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی انشاالله پایه‌دارتر باشد و بتوانیم به سمت آرمان‌های بلند اسلام و نبی مکرم اسلام انشاالله پیش برویم.

من این چهار جلسه را در ضمن اینکه در ده دقیقه آخر یا اینکه 15 دقیقه پایانی هر جلسه را به پیشنهاد شما به پرسش و پاسخ اختصاص می‌دهیم، من چهار جلسه را در واقع به این شکل بخش‌بندی کرده‌ام که در جلسه اول از فقه تربیتی چیست صحبت می‌کنیم در جلسه دوم یعنی 45 دقیقه دوم از فقه تربیتی چه چیز نیست صحبت می‌کنیم و جلسه سوم که فردا می‌شود از ضرورت و کارکرد و کارویژه های فقه تربیتی صحت می‌کنیم و جلسه چهارم از قلمرو و جغرافیای آن صحبت می‌کنیم

طی نکاتی عرایضم را تقدیم می‌کنم که فقه تربیتی چیست؟

# نکته اول؛ قلمرو فقه تربیتی

نکته اول؛ فقه تربیتی ماهیتاً قلمرویی میان رشته‌ای است و ماهیتاً مولود میان رشتگی در تعامل بین فقه پژوهی و تربیت پژوهی است با این توضیح در واقع یکی از عناصر ماهوی فقه تربیتی روشن شد؛ فقه تربیتی ماهیتی میان رشته‌ای دارد ماهیتی میان بابی دارد و میان گرایشی دارد. این نکته اول

# نکته دوم؛ موضوع فقه تربتی

از دل این نکته اول سؤال بعدی پیش می‌آید هر میان رشته‌ای در واقع این سؤال از آن می‌شود که موضوع و روش حاکم آن چیست؟ به تعبیر دقیق‌تر درست است که میان رشته‌ها و قلمروهای میان رشته‌ای مولود تعامل دو رشته یا چند رشته هستند و ضرورت هم دارد در دنیای جدید، اما خب یکی باید اصل باشد یعنی به لحاظ حاکمیت روش‌شناسی و متدولوژی و تعلق خاطر محمولی به یک دانش باید تعیین کرد که این میان رشته‌ای که از آن حرف می‌زنیم و فقه التربیه نام دارد به کدام یک از دو طرف؛ مادر یا پدر، وابستگی دارد؟

مثال می‌زنم وقتی از میان رشته‌ای به نام جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش صحبت می‌کنیم یا از میان رشته‌ای به نام اقتصاد سیاسی صحبت می‌کنیم اینجا باید صحبت کرد که اقتصاد سیاسی یا جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش به لحاظ موضوع متعلق کدام یک از طرفین است و به لحاظ محمول و روش‌شناسی و متدولوژی متعلق به کدام طرف است؟

در مورد فقه تربیتی باید گفت خوانشی که ما داریم این است که فقه تربیتی شعبه‌ای از دانش فقه است و تلاشی فقیهانه و مجتهدانه است با تمرکز بر موضوعات تربیتی.

بنابراین در این بده بستان بین دانش فقه و دانش تربیت، موضوعات و مسائل از تربیت گرفته می‌شود و محمول‌ها و داوری‌ها و احکام، عوارض ذاتیه و متدولوژی و روش‌شناسی به دانش فقه تعلق دارد.

این یک تقسیم کاری است که می‌شود در مورد آن صحبت کرد

کما اینکه بر عکس مثلاً در تعامل فقه و تربیت بگوییم ما از قلمرویی به نام تربیت فقهی سخن بگوییم و استدلال بکنیم ارزش عرضه در قامت یک رشته را دارد اگر مثلاً کسی چنین ادعایی بکند تربیت فقهی

آن وقت تربیت فقهی به لحاظ موضوع و فقه مرتبط است به لحاظ محمول و روش‌شناسی به تربیت و دانش تربیت متعلق می‌شود. پس این نکته دوم شد

# نکته سوم؛ ماهیت شناسی فقه تربیتی

نکته سوم باز در باب چیستی شناسی و ماهیت شناسی فقه تربیتی باید اضافه بکنیم که این‌جور نیست که موضوعات فقط از دانش تربیت گرفته بشود به تعبیر دقیق‌تر دانش تربیت به مثابه قلمرویی از مطالعات انسانی که موضوعات آموزش‌وپرورشی و تعلیم و تربیتی را استقراء می‌کند احصاء می‌کند صورت‌بندی می‌کند می‌تواند به فقه کمک بکند.

اما موضوعات را می‌شود از عرصه عمل گرفت یعنی فقیه اگر به در خانه عالم تربیت هم نرفت می‌تواند موضوعات تربیتی را از مشاهدات خود در کف میدان جامعه و کف عمل جامعه استخراج بکند این هم نکته بعدی

# نکته چهارم؛ روش‌شناسی فقه تربیتی

نکته بعدی در مورد محمول و روش‌شناسی است فقه تربیتی طبق تعریفی که ما کردیم داوری‌های فقهی درباره موضوعات تعلیم، تربیتی است این داوری، داوری فقهی است این قضاوت، قضاوت فقهی است

قضاوت فقهی چه نوع قضاوتی است؟ داوری فقهی چه نوع داوری است؟ و اساساً معرفت فقهی چه نوع معرفتی است؟ در پاسخ باید گفت معرفت فقهی، در واقع معرفت تجویزی است فقه موجود به مثابه دانش تجویزی اسلام تلاش می‌کند بایدها و نبایدها را احکام خمسه را که البته احکام وضعیه را هم ملحق به احکام تکلیفیه بدانیم یا اینکه ملحق ندانیم و در عرض آن بدانیم تدارک بکند بنابراین به فقه تربیتی به لحاظ محمول شناسی و محمولاتی دانشی تجویزی و دانشی تجویز محور است

تا اینجا شاید تصویر روشن یا مبهمی از فقه تربیتی ارائه کردیم فقه تربیتی یعنی بخشی از دانش فقه که دغدغه خودش را بررسی مسائل تعلیم و تربیت، آموزش‌وپرورش، ارتباط با کودک، ارتباط با نوجوان ما شئت فسمّ هر چه که اسم می‌گذارید قرار می‌دهد این ماشئت فسم را باید در دقایق بعد بیشتر تعمیق کنم تمییز می‌دهم و تعمیقش می‌کنم اما خیلی مختصر این است بررسی اجتهادی رفتارهای تربیتی افعال تربیتی

چرا اسم افعال را اینجا آوردم به دلیل اینکه دانش فقه می‌گوید من بر افعال تمرکز می‌کنم حالا افعال اعم از جوانحی و جوارحی بر امور تشریعی صحبت می‌کنم اما از امور تکوینی صحبت نمی‌کنم یعنی بنای من این نیست که فرایند را توصیف بکنم مثلاً فرایند روان‌شناختی ربا گرفتن چیست؟ که ربا را من حرام می‌کنم و ربای عبد و ولد را جایز می‌دانم فقه خیلی به این کار ندارد نه اینکه مهم نیست، مهم هست ولی فقه به این کاری ندارد و در دستور کار قرار نمی‌دهد؛ فقه تربیتی الکلام الکلام، به این دلیل دانش توصیفی نیست، نه اینکه مبتنی بر توصیفات نمی‌تواند باشد این هم مرز دقیقی است که دوستان توجه داشته باشند مرز دقیقی است اینکه بگوییم فقه مبتنی بر توصیفات نیست که این یک فرمایش است که غلط است و یک فرمایش این است که فقه در صدد بررسی توصیفات یا ابتنائات توصیفی نیست اما مبتنی بر آن هست طبق مبادی کلامی خودش که احکام شرعیه را تابع مصالح و مفاسد می‌داند.

این هم در واقع یک نکته که از این جهت در واقع به این شکل است

این هم در واقع روشن شد ممکن است سؤالی پیش بیاید که بالاخره فقه تربیتی را اول ما بشناسیم چیست؟ بعد از کارکرد و ضرورت آن صحبت بکنیم ممکن است امری معنای محصلی داشته باشد معنای موجهی داشته باشد اما توجیه پژوهشی نداشته باشد که راه‌اندازی و گسترش آن را تدارک کند

بنابراین در مقام دلال تصوری فقه تربیتی یعنی بخشی از دانش فقه که تلاش مجتهدانه و فقیهانه می‌خواهد بکند در کشف تجویزات تربیتی اسلام در موضوعات تربیتی در موضوعات آموزش‌وپرورشی.

# روش شناسی فقه تربیتی

نکته بعدی که باز در تدارک تبیین ماهیت است که اصلاً بشناسیم چیست؟ در تدارک تبیین ماهیت فقه تربیتی است این است که به لحاظ روش‌شناسی چه مقدار می‌خواهد وام‌دار این یا آن باشد به کدام یک از طرف وام‌دار است

فقه تربیتی مقوله‌ای فقهی است بنابراین به لحاظ متدولوژی و روش‌شناسی به فقه وفادار است البته نفی شی اثبات ما عدا نمی‌کند ما الآن در این صدد نیستیم که بگوییم روش‌شناسی تربیتی را اخراج کردیم اصلاً بالاتر برویم مگر مطالعات تربیتی روش‌شناسی خاص به خود را دارد؟ نه. مطالعات تربیتی همان جور که گفتند مثل آقای گاستون میالاره و دیگران هم گفتند مطالعات تربیتی و مجموعه تربیتی موجود در واقع ترکیبی از رشته‌های مختلف رشته‌های علوم پایه تا رشته‌های کاربستی هست که برخی روش عقلی فلسفی دارند مثل فلسفه تعلیم و تربیت، برخی روش نقلی دارند مثل قانون آموزش‌وپرورش و مکاتب و دیدگاه‌های تربیتی. برخی روش تجربی دارند مثل روانشناسی تربیتی، روانشناسی پرورشی، برخی علم عالی هستند علم اصالی نیستند یعنی از علوم پایه منشعب نشده‌اند مثل جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش، روانشناسی آموزش‌وپرورش اقتصاد آموزش‌وپرورش، بلکه کاربستی و کاربردی هستند و حرف‌هایی از این دست

بنابراین مطالعات تربیتی روش منحاذ اختصاصی خودشان را ندارند که بگوییم که فقه تربیتی وابسته و متعلق به کدام یک از طرفین باشد فقه تربیتی طبق قراری که گذاشته شده است و اساساً مسقط الرأس و محل تولدش در دامن دانش فقه است متدولوژی فقه را باید مد نظر قرار بدهد و به آن پای بند است حالا متدولوژی فقه چیست حرف دیگری است و بحث دیگری است.

این هم به لحاظ متدولوژی و وفاداری به روش‌شناسی فقه است که ضابط در واقع میزان موفقیت تفقه تربیتی میزان وفاداری آن به روش‌شناسی فقهی است.

حالا ممکن است کسی اینجا بحث کبروی و کلانی را مطرح بکند که اصلاً روش‌شناسی فقه چیست؟ اصول فقه چیست؟ اصول فقه متورم شده است متورم نشده است زوائد الاصول که سر جای خود حرف‌های درستی است و باید بحث کرد فعلاً ما در این مقام نیستیم

اما اجمالاً بالاخره دانش فقه، دانش هزار ساله با یک روش‌شناسی منضبط هزار ساله که در واقع عمل می‌کند

تا اینجا چیستی فقه تربیتی را تلاش کردیم روشن بکنیم که فقه تربیتی چیست؟ و میزان تعلقش به یکی از طرفین را گفتیم

به لحاظ یکی از عناصر دیگر رئوس ثمانیه علم، تاریخچه آن علم یا واضع آن علم است در یک گزارش بسیار مختصر در جلسه اول خدمت آیت الله اعرافی من عرض کردم ایده شکل‌گیری فقه التربیه یا فقه تربیتی به بیست، بیست و پنج سال پیش بر می‌گردد که ایشان این ایده را پخته کردند و متمرکز کردند و در کرسی فقه تربیتی خودشان به نمایش گذاشتند و تدریس کردند الآن در وضعیتی قرار دادیم و این دروس یک روز در هفته ایشان که در عین مدیریت‌های پشت سر هم که داشتند مدیریت‌های کلان پژوهشی و علمی و آموزشی که از مجمع جهانی علوم اسلامی تا جامعة المصطفی تا پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و تا مدیریت حوزه‌های علمیه تا مناصب بعدی و شورای نگهبان و غیره این درس برقرار بود و افتان و خیزان به حرکت ادامه می‌داد و در کنار آن عده‌ای از محققین همراه بودند و موسسه اشراق و عرفان حدود 15 جلد از موسوعه 30 جلدی خودش را که کلام پروژه استدلالی فقه تربیتی را به چاپ رسانده و در فاز دوم فقه نیمه استدلالی را طراحی می‌کند و در فاز سوم، فقه فتوایی را.

همه این‌ها نمونه‌هایی از کتاب‌های چاپ شده را دارند و توسط موسسه اشراق به چاپ رسیده است

این هم در باب واضع و وضعیت موجود فقه تربیتی

بنابراین به عنوان جملات پایانی بگویم فکر کنم باید در خدمت شما باشیم.

# نکته هشتم؛ ماهیت فقه تربیتی

به عنوان نکته بعدی تا حدی ناظر به دفع دخل مقدر در مورد ماهیت فقه تربیتی بخواهیم بگوییم اینکه تربیت چیست؟ چرا فقه را به معنای اکبر می‌گیرید یا اصغر می‌گیرید فقه تربیت بشود موجز بخواهم بگویم

فقه تربیتی یک اصطلاح علمی است اصطلاح را اگر وضع تعیُنی داشته باشد باید بپرسیم که چگونه به وضع تعینی رسیده است اما بالاخره مع الاسف یا خوشبختانه می‌بینیم وضع تعیینی داشته است یعنی واضع تعییناً وضع کرده است که منظور من از فقه تربیت یعنی فلان بنابراین این خیلی جای مناقشه ندارد اگر وضع تعیُنی داشت یعنی فقهای متعددی در این عرصه قلم می‌زدند و سخن می‌گفتند و تعیُنا اصطلاحی در این حوزه جعل می‌شد به جعل تعیُنی، بله

اما واقعیت را بخواهید این جعل تعیینی است یعنی واضع تعییناً گفته است فقه تربیتی اینجا منظور من از فقه، فقه جواهری احکامی و حکمی است و تربیت هم اینجا منظور به همین معنا که گفته می‌شود تربیت که مجموعه اقدامات هدفمند قصد شده برای ایجاد تغییرات مطلوب در انسان دیگر،

ممکن است از باب دخل دفع مقدر بگوییم که در باب ماهیت شناسی فقه تربیتی ممکن است کسی بگوید چرا فقه را اینجا به معنای فقه اکبر نمی‌گیرید؟

حالا در مورد اصطلاح فقه اکبر، دو اصطلاح است که به آن کار ندارم گاهی اوقات فقه اکبر که می‌گویند اینجا منظور شناخت عمیق دین است فقه به معنای لغوی‌اش اینجاست **﴿لیتفقهوا فی الدین﴾** یعنی تفقه بکنید تفقه اینجا به معنای شناخت عمیق دین است و دین هم هر سه عرصه اخلاق و احکام و عقاید را شامل می‌شود یعنی کل دین چرا شما یک سوم دین در آن تقسیم ثلاثه دین معارف دین به احکام و عقاید و اخلاق به یکی از سه بخش اختصاص دادید و می‌گویید منظور از فقه، فقه حکمی منظور است؟

جواب این است جعل است، قرارداد است قرارداد اختیارش با قرار دهنده است گاهی فقه اکبر می‌گویند منظور عقاید است گاهی یک اصطلاح دیگر می‌گویند مثلاً فقه به معنای لغوی‌اش به کار می‌برند و وصف اکبر هم برای آن به کار می‌برند و منظور کل دین است

بنابراین تا اینجا واضع جعل کرده و بنای این قرار داده است فقه اینجا فقه حکمی است یعنی شناخت عمیق احکام اسلام، فقه به معنای متأخر و اصطلاحی‌اش مد نظر است نه به معنای لغوی و نه معنایی که بخواهد همه سه بخش عقاید اخلاق و احکام را هم شامل بشود

## اشکال و پاسخ به آن

إن قلت: ممکن است کسی بگوید این چه کاری است شما چرا میدان بازی را عوض می‌کنید چرا فرو کاهش انجام می‌دهید چرا مثله می‌کنید احکام اسلام را و معارف تربیتی اسلام را این نوعی مثله کردن معارف اسلام است.

جواب این است که واقعیت این است که مثله کردن نیست علم یعنی تمایز علوم یعنی علم‌ها را با هم متمایز کردن در مقام عمل و مطالعه فیلسوف از فقه مرزش را جدا می‌کند، عرفان نظری از عرفان عملی مرز را جدا می‌کند و باید هم جدا بکند به خاطر اینکه مرز دانش باید مشخص باشد تا مرزها را به پیش برد مسئله‌ها را باید شکافت بنابراین در مقام عمل اشکال ندارد به معنای مثله کردن هم نیست

جواب دوم این است که اگر فقه را به معنایی که شما می‌گویید اکبر، آن که فقه اکبر به معنای عقاید است آن حرف دیگر است فقه به معنای لغوی اینجا اخذ نمی‌کنیم اگر این باشد آن وقت فقه تربیتی یعنی تربیت اسلامی، فقه اینجا یعنی اسلام، اضافه مغلوب است فقه تربیتی یعنی تربیتی که متخذ از اسلام است متخذ از فقه به معنای لغوی است منتها ویژگی‌اش این است که عمیق است

این همان اصطلاح تربیت اسلامی می‌شود چه اشکال دارد؟

می‌گوییم اشکال ندارد اما چهل سال است که در ایران اسلامی بعد از انقلاب و پنجاه شصت سال در جهان اسلام جریان اسلامی سازی تربیت و جریان توجه به نظام تربیتی اسلام و جریان استنباط نظام واره معارفی اسلام راه افتاده است نمی‌گوییم امتیازش بیست است اما راه افتاده است انبوهی از مطالعات و کتاب‌ها و شعبه‌ها و شاخه‌ها در این زمینه تربیت اسلامی در قامت دانش جدید به نام تربیت اسلامی انجام می‌شود بنابراین معنا کردن فقه تربیتی به تربیت اسلامی تحصیل حاصل است اگر نگوییم فایده ندارد. اصطلاح جدیدی ایجاد می‌کنید که این اصطلاح جدید با مصطلح قبلی‌اش فرق دارد. اصطلاح قبلی‌اش تربیت اسلامی یا تعلیم و تربیت اسلامی با واو گاهی گفته می‌شود بنابراین خیلی مقرون به صرفه نیست این کار را بکنید؟

نکته سوم

و از همین‌جا راز تأکید واضع این علم بر اینکه فقه تربیتی به معنای فقه حکمی می‌گویم راز اینجا آشکار می‌شود از دل یک خلأ تئوری این ایده مطرح شده است همان کسی که (آیت الله اعرافی) در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در دهه شصت و هفتاد در مرکز جهانی علوم اسلامی در جامعة المصطفی با آن گستره وسیع علوم اسلامی و علم انسانی به مثابه حوزه بین‌المللی همان کس حس کرده است در مطالعات تربیت اسلامی یک ضعفی به نام ضعف حجیت و روشمندی مطالعات تربیت اسلامی وجود دارد این ضعف را ایشان خواسته است با متدولوژی فقه جبران بکند یا تا حدی آن را جبران بکند

بنابراین در دامن مطالعات اسلامی از فقه تربیتی سخن گفته است.

بنابراین فقه تربیتی را واضع برای اینکه مرز علم را به پیش ببرد ادبیات تربیت اسلامی را قوی‌تر و عمیق‌تر و پیشران‌تر بکند از دانش هزار ساله فقه کمک گرفته است

بنابراین فقه تربیتی در اینجا فقه به معنای عمیق نیست یا به تعبیر شما فقه اکبر نیست بلکه به معنای فقه حکمی است اگر آن معنا را بگویید تالی فاسد دارد تحصیل حاصل است

پس تا اینجا تلاش کردیم یک إن قلتی را جواب بدهیم و یک دخل دفع مقدری بکنیم که چرا اینجا فقه را به معنای فهم عمیق نمی‌گیریم جواب روشن است از یک سو دانش تربیت اسلامی چهل پنجاه سال است ... من می‌توانم ساعت‌ها در مورد آن صحبت بکنم قلمرو آن، گستره‌اش، عمق و فوایدش الی ماشاءالله کتاب در این مورد نوشته شده است ممکن است بگویید ناقص است البته کار جدیدی است در حوزه تفسیر تربیتی در حوزه حدیث تربیتی، در حوزه فلسفه تربیتی در حوزه اخلاق حرفه‌ای و اخلاق تربیتی و در حوزه سیره تربیتی در حوزه مکاتب تربیت اسلامی در حوزه تاریخ نهادهای تربیت اسلامی، در حوزه روش‌شناسی علم تربیت اسلامی و قس علی هذا فعلله و تفعلله

بنابراین خیلی مقرون به صرفه و در پاسخ به یک نیاز تئوریک بود که واضع فقه تربیتی، فقه را به معنای فهم عمیق نگرفت و معنای لغوی آن را اراده نکرد.

## اشکال دوم و پاسخ به آن

إن قلت دوم این است که تربیت را که اینجا می‌گویید چرا اخلاق را خارج کردید؟

میگوییم تربیت منظور ایجاد مقدمات مقصوده و برنامه ریزی شده و تمهیداتی برای ایجاد تغییرات مطلوب در انسان دیگر.

چرا تغییرات در خود را شامل نمی‌کنید؟ چرا اخلاق را جدا کردید؟ چرا به اخلاق ظلم کردید؟ چرا تربیت را از اخلاق جدا کردید مگر تربیت بدون اخلاق می‌تواند سر پا باشد؟

جواب: نه این‌جور نیست اتفاقاً جلالت شایسته این اخلاق این است که خود فقه مستقلی داشته باشد یعنی فقه الاخلاق نه اینکه در دامن و در ذیل تربیت خوانده شود و اتفاقاً در همان کتاب آیت الله اعرافی جلد یک توضیح دادیم و پروژه‌ای در موسسه اشراق با همین نام فقه الاخلاق دایر است و همین دو سه سال اخیر دروس ایشان دروس فقه الاخلاق ایشان با نام فقه روابط میان فردی خوانده می‌شود دایر است و در حال گفتگو و انتشار است و در حال نوشتن است

بنابراین هم فقه التربیه وجود دارد و هم فقه الاخلاق وجود دارد این حرف اگر پنج سال پیش زده می‌شد ما باید تمهل می‌کردیم الآن میگوییم خیالتان راحت ما یک فقه التربیه داریم و یک کلان پروژه فقه الاخلاق و یا فقه روابط میان فردی هم داریم.

بنابراین به معنای ظلم به اخلاق نیست به معنای نادیده گرفتن ملاحظات اخلاق در تربیت هم نیست بلکه از باب مرز دقیق تربیت و اخلاق این کار را می‌کنیم که شأن اخلاق حفظ بشود

اساساً فرایند خودسازی شایسته مطالعه دقیق‌تر است ممکن است فرایند خودسازی و فرایند دگرسازی هم مشترکاتی داشته باشد که ما انکار نمی‌کنیم

اما آنچه که تربیت خوانده می‌شود در دنیای معاصر؛ همین اجوگیشن 28:39؟؟؟ آموزش‌وپرورش، وزارت خانه آموزش‌وپرورش، تمرکز بر مسائل آموزش‌وپرورش را ببینید الی ماشاءالله سؤال و پرسش از حوزه سیاست‌گذاری و حکمرانی تربیتی تا حوزه سؤالات شخصی و تا حوزه سؤالات فردی، یک مادری می‌گوید من فرزندم را برای نماز صبح بیدار بکنم؟ یا بیدار نکنم؟ تنبیه بکنم یا نکنم، جایزٌ أم لا؟ این سؤالات کاملاً فردی و شخصی تا سؤالات ستادی و حکمرانانه

مقرون به صرفه بود که فقه التربیه را از فقه الاخلاق جدا بکنیم تا اتفاقاً به مطالعات اخلاق اسلامی کمک می‌کنیم، فقه الاخلاق، مطالعات اخلاق اسلامی را به پیش می‌برد

# مبانی فقه تربیتی

مبانی فقه تربیتی چیست؟

سؤال خوبی است باید ببینیم فقه تربیتی را چه می‌دانیم فقه تربیتی به لحاظ ماهوی علم میان رشته‌ای دانستیم از سنخ علم است از سنخ باب علمی است بابی از ابواب علم است

آیا مبانی دارد، بله باید ببینیم مبانی یعنی چه؟

وقتی واژه مبانی را به کار می‌بریم گاهی مساوق مبادی تصوریه و تصدیقیه یک علم است این یک تصویر، هر علمی مبادی تصوریه ای دارد و مبادی تصدیقیه ای دارد.

مثلاً مبادی تصوریه علم فیزیک، جامعه‌شناسی، اقتصاد سیاسی یا اصول فقه، این دانش‌هایی که اسم بردم مبادیی دارند مبادی تصوریه یعنی اصطلاحاتی دارند ایشان هم دارد

مبادی تصدیقیه هم دارد یعنی یک پیش‌فرض‌های دانشی دارد مثلاً فرض کنید به لحاظ رویکردی این قرائت از اقتصاد سیاسی قرائت کینزی است این قرائت از روانشناسی تربیتی، قرائتش قرائت پیاژه‌ای است یا در حوزه روانشناسی رشد دینی، به مثابه یک شاخه جدید یکی از مبادی تصدیقیه اش این است که رشد را در اینجا به معنای تحول دانسته است و دبلوکمت را به یک معنای خاصی کرده است این مبادی تصدیقیه می‌شود

این یک معنا از مبانی

آن وقت مبانی که مبادی تصوریه و تصدیقیه فقه تربیتی را می‌توان برشمرد. مبادی تصدیقیه اش چیست؟ و خود مبادی تصدیقیه را می‌توان به مبانی هستی شناسانه، مبانی دین‌شناسانه، مبانی ارزش شناسانه، مثلاً به لحاظ مبانی هستی شناسانه، فقه تربیتی مبتنی بر این پیش فرض است که خداوند قادر است و خداوند شارع است و الحکم لله و کسی حق حکم راندن به دیگران را ندارد مگر به تفویض الهی.

 اینجا اساس فقه تربیتی یعنی اینکه فقه تربیتی نوعی تشریع است تشریع می‌کند یعنی برای ایجاد تغییر مطلوب در انسان‌های دیگر که نوعی تسلط و نوعی نفوذ در دیگران است باید مأذون باشیم، شرعاً، این یکی از مبادی تصدیقیه فقه تربیتی است.

یکی از مبادی تصدیقیه دیگر که جزو مبانی ارزش شناسانه باشد این است که فقه تربیتی ارزش‌ها را به دو دسته ارزش‌های ثابت و ارزش‌های متغیر تقسیم می‌کند و در ساز و کار اصول فقه و فقه موجود برخی از ارزش‌ها یعنی بعضی از احکام ثابت هستند و بعضی از احکام متغیرند که همان احکام اولی و احکام ثانوی می‌شوند که با عروض عناوین ثانوی با احکام اولی عوض می‌شود و یا با مصلحت سنجی حاکم شرع، احکام ولایی صادر می‌شود این هم جزو مبادی تصدیقیه می‌شود

پس ببینید اگر منظور از مبانی فقه تربیتی، مبادی تصدیقیه و تصوریه باشد بخشی از آن همان مبادی تصوریه و تصدیقیه علم فقه است که اینجا هم تطبیق می‌کند بعضی مورد تأکید است یا منحاذ و مختص فقه تربیتی می‌تواند باشد.

# پرسش و پاسخ

تاریخ شروع چنین فقهی حدود 20 سال پیش ایشان این ایده را مطرح کرده و درس را شروع کرده است و این درس افتان و خیزان ادامه داشته و چهار پنج سال پیش به پایان رسیده است

* آقای دادگر گفتند آیا بین مبادی و مبانی فرق می‌دانید؟

اینکه گفتم گویا بود، گاهی اوقات که مبانی علم که می‌گوییم مبانی هر چیزی متفاوت است، مبانی کل شیء بحسبه، مبانی یعنی پیش‌فرض‌ها یا بنیادها یا ابتنائات اما وقتی مبانی علم می‌گوییم، می‌تواند منظور مبادی تصوریه و تصدیقیه باشد که شرح دادم.

* آیا آیات و روایات ما به جزئیات تربیت هم پرداخته‌اند؟

مثلاً اگر بچه فلان کار را کرد فلان واکنش را نشان بدهید

بله در مواردی پاره‌ای از روایات جزئی شده‌اند و در مواردی جزئی نشده‌اند. مثل احکام، احکام طهارت گاهی اوقات جزئی شده است و گاهی اوقات در بعضی احکام کلی است.

* در تحریف چهارچوب نظری بحث همان مبادی تصدیقیه است؟ یعنی قبلش فقها توجه نداشتند

بله می‌تواند منطبق بر آن باشد جواب این است که ما باب مستقلی به نام کتاب التربیه نداشتیم اما همان جور که در بعضی از مقالات اینجانب در اینترنت هم قابل جستجو است به شکل کاملاً استطرادی در کتاب الصلاة، کتاب الحج، کتاب الوقف، کتاب النکاح، کتاب امر به معروف در خیلی از این کتاب‌ها بعضی از موضوعات تعلیم و تربیتی مثل حکم تعلّم و حکم تعلیم، وظیفه معلم حکم مادر، ولایت، حضانت، وقف، مصرف زکات برای تعلم و تحصیل و غیره بحث شده است بنابراین فقها به شکل استطرادی به این موضوع توجه داشته‌اند اما مدون در یک کتاب مستقل به صورت نظام واره هیچ وقت موضوعاتش مطرح نشده است.

در تعبیر فقه التربیه فقه به معنای فهم عمیق و معنای لغوی‌اش نیست مراد نیست.

رابطه فقه تربیتی و تربیت اسلامی را با این بیان که من گفتم رابطه کل و جزء است تربیت اسلامی کل است و فقه تربیتی جزء است این یک بیان، یک تمثیل دیگر این است که فقه تربیتی یکی از پله‌های رسیدن به پشت‌بام تربیت اسلامی است این یک بیان، این بیان مقدمه و ذی المقدمه است بیان اول بیان کل و جزء است، بیان دیگر بیان پازلی است که فقه تربیتی در کنار دیگر عرصه‌های تربیت اسلامی می‌تواند پازل تربیت اسلامی را برای استکشاف نظام تربیت اسلام پر بکند.

سؤال: در زمینه فقه تربیتی یک نگاه دیگر که هست که این نگاه رویش کار شده و به لحاظ عملی اجرا شده است و تا حدی که اجرا شده است بازخورد مثبتی داشته است البته توضیحات مفصل هست اشاره می‌کنم در واقع می‌شود آنچه ما بیشتر در مباحث تربیتی مباحث مختلف به شکل اجتهادی مسئله بشود که اجتهادی بحث بشود 39:09؟؟؟؟ (صوت نا مفهوم است) تربیت هم که از معارف اسلامی بر می‌آید مثل دانه‌ای که زیر خاک بوده است و این رشد و نموی که می‌کند انسان که در عالم خاک آمده باید به سمت خدای متعال برود این تربیت است و اسلام ...

روند و نتیجه‌اش تربیت است به نظر می‌آید آن کار ویژه‌ای که در این زمینه می‌توان انجام داد که تا چنین نگاه و چنین چیزی حاکم بشود این است که به محور اتحاد که ولایت هست توجه بشود به حمدالله حضرت آقا در ...

می‌توان بر آن اساس ...

استاد: خیلی متشکر همه حرف‌هایتان درست بود و مسائل لازم بود اما اینکه این را فقه تربیتی می‌نامید و اگر نامیده‌اید ما خبر نداریم یا اگر کتابی چاپ شده راهنمایی بکنید ممنون می‌شوم.